

بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان

* دکتر سید جواد امام جمعه‌زاده

** رضا محموداوغلی

*** امید عیسی‌نژاد

چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت، از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. یکی از گروه‌های عمده جامعه که شرکت آنان در روند اداره جامعه و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، دانشجویان هستند. مشارکت سیاسی دانشجویان که بزرگ‌ترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند، اهمیت خاصی برای ثبات

* عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان (jamalrahbar2003@yahoo.com)

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (r_oghli@yahoo.com)

*** دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه اصفهان (farhangmad@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹، صص ۳۴-۷.

سیاسی و پویایی جامعه دارد. هدف از نگارش این مقاله بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه اصفهان است. روش تحقیق پژوهش در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش پیمایشی است. این مطالعه بر روی ۱۸۸ نفر از دختران و پسران دانشجوی دانشگاه اصفهان صورت گرفته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده که اعتبار آن به روش صوری، و پایایی آن به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده و داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. با تقسیم دینداری به دو متغیر (اعتقادی - مناسک و اخلاق)، به همراه در نظر گرفتن دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی عوامل روان‌شناختی - نگرشی و شیوه مشارکت (رسمی یا غیررسمی) مشاهده می‌شود که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد دینداری و میزان مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان وجود دارد. یافته‌ها نشان داد که ارتباط مستقیمی بین سطح دینداری و مشارکت سیاسی وجود دارد؛ بر اساس این یافته‌ها می‌توان انتظار داشت در جوامع مذهبی میزان مشارکت سیاسی افراد بالاتر باشد. **واژه‌های کلیدی:** مشارکت سیاسی، دینداری، نگرش سیاسی، دانشجویان.

مقدمه

از دیرباز مشارکت^۱ یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه‌شناسی تلقی شده است. مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنش‌گر و محیط اجتماعی او در راستای نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده‌اند؛ فرایندی که افراد جامعه به صورت آگاهانه و جمعی، با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آنها در منابع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند.^(۱) از دیدگاه برکلی^۲: «مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ ارزشی و آزادسازی و اعتماد به خویشتن انسان، و از لحاظ ابزاری به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایندهای علمی حیات اجتماعی منجر می‌شود. مشارکت بخش جوهری و اساس رشد انسان است و آن توسعه خوداعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین توسعه و تحولی در درون مردم تلاش و اقدام برای نابودی فقر و توسعه نیافتگی اگر غیرممکن نباشد دست کم با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد بود».^(۲) مشارکت سیاسی^۳ به عنوان یکی از انواع مشارکت از شاخص‌های توسعه اجتماعی^۴، توسعه فرهنگی^۵ و توسعه سیاسی^۶ در کشورها به شمار می‌رود^(۳) و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و بادوام، همان جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا و همچنین باصرفه‌ترین و

1. Participation

3. Political Participation

5. Cultural Development

2. Burkely

4. Social Development

6. Political Development

پایدارترین روش است. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، مشارکت سیاسی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های جامعه مدنی است؛ به‌طور کلی، مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌سازد.^(۴) مشارکت سیاسی بیانگر الگوی خاصی از رفتار سیاسی^۱ است که بر مجموعه نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایستارها، هنجارها و آداب و رسوم یک جامعه در رابطه با پدیده‌های سیاسی مبتنی است.^(۵) هانتینگتون و نلسون^۲ مشارکت سیاسی را کوشش‌های شهروندان غیردولتی به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی می‌دانند.^(۶) مک کلاسکی^۳ مشارکت سیاسی را آن دسته کنش‌های داوطلبانه‌ای می‌خواند که «از طریق آن اعضای یک جامعه در گزینش حاکمان و به طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی سهم می‌شوند».^(۷) از دیدگاه وینر^۴ «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران، سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر حکومت محلی و ملی است».^(۸) در یک معنای کلی و با توجه به تعاریف بالا، مشارکت سیاسی را می‌توان چنین تعریف کرد:

فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه (چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی) در امور حکومتی و سیاسی که با هدف تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی کشور صورت می‌گیرند و این فعالیت‌ها ممکن است حمایت از سیاست‌های موجود مقامات دولتی و یا ساختار نظام باشد و یا ممکن است به دنبال تغییر وضع موجود در نظر گرفته شوند.

یکی از گروه‌های عمده جامعه که شرکت آن در روند اداره جامعه و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، دانشجویان هستند. مشارکت سیاسی جوانان که بزرگ‌ترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند، اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی^۵ و پویایی^۶ جامعه دارد. بی‌شک دانشجویان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به

1. Political Behavior
3. McClosky
5. Political Stability

2. Huntington and Nelson
4. Weiner
6. Dynamic

اقتضای عوامل مختلفی همچون جوان بودن، تحرک، استقلال‌خواهی، نوجویی، و آرمان‌گرایی در فعالیت سیاسی، انگیزه بالایی برای درگیری^۱ در مشارکت سیاسی دارند. دانشجویان در صورت وجود مجاری مناسب برای بیان دیدگاه‌ها و خواسته‌های سیاسی خود اصولاً نقش مؤثری در سلامت و ثبات سیاسی جامعه ایفا می‌کنند و در مواردی که به هر دلیلی احساس تعلق خود به نظام سیاسی حاکم و روندهای سیاسی جاری را از دست دهند و احساس بیگانگی کنند، می‌توانند به عامل بی‌ثباتی در جامعه تبدیل شوند.^(۹) از این‌رو دست یافتن به چگونگی نگرش سیاسی^۲ دانشجویان و توجه هرچه بیشتر به عوامل اجتماعی که به مشارکت سیاسی این قشر کمک می‌کند، امری ضروری است. یکی از این عوامل اجتماعی تأثیرگذار در فرایند جامعه‌پذیری، باورهای مذهبی افراد است.

یکی از مهم‌ترین نهادهایی که جامعه بشری به خود دیده، مفهوم دینداری^۳ و باورهای مذهبی^۴ است. در واقع دینداری عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای پدیده‌ای که ارزش‌ها^۵ و نشانه‌های دینی^۶ در آن متجلی باشد اطلاق می‌شود.^(۱۰) دینداری یک نظام عملی مبتنی بر اعتقادات است که در قلمرو ابعاد فردی و اجتماعی از جانب پروردگار برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی ارسال شده و شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهاست که با هم پیوند دارند و یک احساس جامعیت را برای فرد تدارک می‌بیند.^(۱۱) باید توجه داشت که دینداری یا تدین ناظر به پذیرش دین توسط انسان‌هاست. در واقع دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است.^(۱۲) به عبارت دیگر، در اینجا دینداری حاصل و نتیجه همان برداشتی است که از دین ارائه می‌شود.

دین به مثابه نظام فرهنگی (گیرتز^۷، ۱۹۷۳) و پدیده اجتماعی (دورکیم^۸، ۱۹۶۸) در مطالعات انسان‌شناختی جایگاه خاصی دارد. از دیدگاه دورکیم، دین بیان ارزش‌های اخلاقی یک اجتماع و باورداشت‌های دسته‌جمعی آنان است. نظامی واحد از عقاید و اعمال متناسب به اشیا و امور مقدس (اشیا و امور متمایز شده و

1. Involvement
3. Religiosity
5. Values
7. Geertz

2. Political Attitude
4. Religious Beliefs
6. Religious Signs
8. Durkheim

حرمت یافته) که همه مؤمنان را در یک اجتماع معنوی واحد یا یک تشکیلات دینی گرد هم می‌آورد.^(۱۳) از نظر گیرتز دین از طریق ارائه چشم‌انداز مذهبی^۱ برای مؤمنان به حل مسئله معنا برای دینداران می‌پردازد. از نظر او دین نه تنها کوششی در جهت توجیه جنبه‌های شگفت‌انگیز جهان، بلکه در زمینه‌ای گسترده‌تر برای یکنواختی زندگی نیز اعتباری فراهم می‌سازد. او دین را چنین تعریف می‌کند: «دین عبارت است از: نظامی از نمادها که سبب استقرار روحيات و حالات و انگیزش‌های قدرتمند، فراگیر و پایدار در انسان‌ها می‌شود و برای این هدف، از طریق شکل دادن به مفاهیم عام درباره هستی عمل می‌کند و باعث احاطه این مفاهیم با هاله‌ای از واقعیت‌بودگی می‌شود (یعنی این مفاهیم را در هاله‌ای از واقعیت‌بودگی فرو می‌برد) به نحوی که خلق‌و‌خو و انگیزه‌های مزبور به صورت تنها واقعیت‌های ممکن درمی‌آید».^(۱۴)

از دیدگاه علامه طباطبایی، دین روش مخصوصی است در زندگی که صلاح دنیا را به طوری که موافق کمال اخروی و حیات دائمی حقیقی باشد تأمین می‌کند. دین چیزی نیست جز سنت حیات و راه و روشی که بر انسان واجب است آن را پیشه کند تا سعادت‌مند شود. پس هیچ انسانی هیچ هدف و غایتی ندارد مگر سعادت؛ و تمامی انواع مخلوقات به سوی سعادت خود و هدفی که ایدئال آنهاست به صورت فطری هدایت شده‌اند.^(۱۵) به عبارت دیگر دین مجموعه قواعد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و حقوقی است که خداوند به منظور اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها در اختیار بشر قرار داده است.^(۱۶)

دین زندگی ما را در مجموعه هستی ممکن و مطبوع می‌سازد و به عنوان یک نظام تفسیری^۲ در حوزه شناختی^۳ از چند جهت ارائه خدمت می‌کند:^(۱۷) ۱) تفسیری همه‌جانبه از حیات انسانی در اختیار قرار می‌دهد و خلأ زندگی را با ایجاد معنا برای لحظه‌های آن فراهم می‌کند؛ ۲) با فراهم ساختن حدود و حریم خود و الگوی مناسبات او با دیگران پایگاه ارزشمندی است که در خلأ بلا تکلیفی به کمک فرد می‌شتابد و بستر لازم را برای تصمیم‌گیری در شرایط سخت مهیا می‌سازد؛ ۳) نظامی

1. Religious Landscape
2. Interpretation System
3. Cognitive

از مسئولیت‌ها را طراحی می‌کند که به طور دقیق وظایف فرد در آن مشخص است و بر اساس آن شخص متناسب با موقعیت‌های متنوع به پاسخ‌های مناسب اقدام می‌کند؛ (۴) دین تنظیم‌کننده یک رابطه ویژه و استثنایی با پدیده‌های ماوراء الطبیعی نظیر خدا، پیامبران و امامان (اولیای الهی) است و بدین ترتیب فراتر از مناسبات معمولی و زمینی، سطحی از روابط ویژه با منابع قدرت را تنظیم می‌کند؛ (۵) دین به عنوان یک نظام مرجع با طرح هدفمندی حیات، مرگ را نقطه پایان زندگی نمی‌داند و آن را گذرگاهی برای عبور به جهانی باشکوه‌تر، قابل قبول می‌سازد.

در نتیجه دین عملاً به عنوان یک سیستم ارزشی به حرکت‌های انسان جهت داده، آنها را هدفمند نموده و انسان را به سوی اعتلای روانی، انسانی و تکامل رهنمون می‌سازد. به عقیده آلپورت^۱، مذهب به عنوان یک سیستم ارزشی موجب وحدت بخشیدن به حیات انسان می‌شود. به نظر او بالاترین سیستم ارزشی که به انسان وحدت و یکپارچگی می‌دهد سیستم ارزشی - مذهبی است.^(۱۸) این سیستم ارزشی روی تمام وجوه زندگی فرد تأثیر گذاشته است. از نظر علامه طباطبایی «بر مسلمین لازم است که در جمع باشند و از کنج عزلت خارج شده با هم مرتبط شوند و به تشکیل جامعه اسلامی و تثبیت و استقرار آن همت ورزند. یکی از شئون اجتماعی شدن دخالت در امور سیاسی و کسب استقلال و عزت و سیادت اجتماعی است». از این نکات سمت و سوی مشارکت سیاسی و جهت اصلی آن در جامعه اسلامی روشن می‌شود.^(۱۹) بر این اساس درک بهتر دینداری و باورهای مذهبی دانشجویان می‌تواند به طرز نگاه آنان به سیاست تأثیرگذار باشد. با توجه به موارد فوق، سؤال اساسی که این مطالعه در صدد پاسخ‌گویی به آن است، این است که آیا رابطه‌ای میان میزان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد یا خیر؟

تعریف عملیاتی متغیرها

۱. دینداری

دینداری یا تدین^۲ عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر

قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌یابد.^(۳۰) دینداری به بیان کلی، یعنی داشتن «اهتمام دینی» به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد.^(۳۱) در واقع دینداری صفت و حالت انسان دربارهٔ دین است. آشکار است که ذات و حقیقت دین، غیر از تحقیق آن در روان یا جامعه انسانی است. مفهوم دینداری شامل شناخت و پذیرش قلبی نسبت به توحید، عدل، نبوت، امامت، آخرت و انقیاد نسبت به احکام الهی است. مفهوم واژهٔ دین در آیاتی مانند ۱۹ و ۸۵ سوره آل عمران، آیه ۵ سوره بینه، همین دینداری است؛ زیرا ضمن توجه مردم به مأموریت اصلی آنان و انتظاری که از آنها می‌رود، از بندگی و دینداری مخلصانه و مؤلفه‌های اصلی آن مانند اقامه نماز و پرداخت زکات به عنوان دین قیّم یاد می‌شود.^(۳۲) اسمارت^۱ شش بُعد را برای دینداری برشمرده و معتقد است که این ابعاد در تمام ادیان واقعی وجود دارند. وجوه شش‌گانهٔ او عبارتند از: «مناسک، اسطوره‌شناسی، تعالیم، اخلاق، بُعد اجتماعی و بُعد تجربی».^(۳۳) کنت^۲ به ابعاد سه‌گانهٔ دین یعنی «عقاید»، «عواطف» و عمل برحسب ابعاد سه‌گانهٔ وجودی انسان اشاره کرده است.^(۳۴) استارک و گلاک^۳ این ویژگی‌ها را حول پنج بُعد اعتقادی یا باورهای دینی؛ اعمال دینی شامل شعائر یا مناسک، و پرستش و دعا؛ بُعد تجربی – دینی؛ دانش دینی؛ و پیامدها جمع کردند و مفهوم عملیاتی مجزایی از دین ساختند.^(۳۵) کرافورد^۴ دینداری را در ابعاد اعتقادی، فردی، مناسکی، نهادی، اخلاقی، ماوراء الطبیعی و سیاسی بررسی کرده است.^(۳۶) طبقه‌بندی علمای اسلام همچون علامه طباطبایی، شهید مطهری و جوادی آملی از تعالیم اسلام عبارت است از اصول عقاید، اخلاقیات و احکام.^(۳۷) اصول عقاید؛ یعنی چیزهایی که وظیفه فرد تحصیل عقیده دربارهٔ آنهاست. کاری که در این زمینه بر عهده انسان است از نوع کار تحقیقی و علمی است. اخلاقیات؛ یعنی خصلت‌هایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشان را به آن خصلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضرار آنها خویشان را دور نگه دارد. کاری که در این زمینه به عهده انسان است از نوع مراقبت و خودسازی است. احکام؛ دستورهایی که به فعالیت‌های خارجی و عینی

1. Smart

2. comte

3. Stark and Glock

4. Crawford

انسان اعم از امور معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی مربوط است.

در این تحقیق به پیروی از این الگو و با بررسی موارد کاربرد دین، به مفهوم دینداری و پایبندی افراد به محورهای اساسی دین، مفهوم دینداری تعریف عملیاتی شد که پس از انجام تحقیق مقدماتی و با توجه به پژوهش آذربایجانی^(۲۸) در دو متغیر اعتقادی - مناسک^۱ و اخلاق، سنجیده شد.

بُعد اعتقادی - مناسک: دربرگیرنده باورها و آداب و سنت‌هایی است که انتظار می‌رود افراد با توجه به دین خاص خود به آنها اعتقاد داشته باشند و آنها را به جای بیاورند. به عقیده گیرتز سازوکار ایجادکننده ایمان، مناسک است. ایقان مذهبی در جریان مناسک ایجاد می‌شود؛ برای مثال او می‌گوید پذیرش مرجعیتی که حاکم بر چشم‌انداز مناسک مذهبی است، از خود مناسک سرچشمه می‌گیرد. مناسک هم مفاهیم کلی مذهبی را صورت بندی کرده و هم تکلیف مرجعیتی را مشخص می‌سازد که پذیرش و حتی الزام به پذیرش این مفاهیم مذهبی را توجیه می‌کند.^(۲۹) گیرتز این نکته را اضافه می‌کند که در آیین‌ها، جشن‌ها و مناسک بزرگ مذهبی، به واسطه نقش و موقعیتی که افراد در برگزاری این مناسک انجام می‌دهند، موقعیت اجتماعی و جایگاه آنها در ساختار اجتماعی برای آنها یادآوری و بازتولید می‌شود. در این مناسک مسائل اصلی مردم به طور نمادین بازنمایی شده و پاسخی دینی برای آنها ارائه می‌شود. به‌طورکلی دین از طریق مناسک و نظام نمادین خود در این مناسک به حل مسئله معنا - به واسطه تجربه رنج و شر و تناقض‌های اخلاقی موجود در جهان - برای انسان‌ها می‌پردازد.^(۳۰) برخی از مواد این متغیر به عنوان نمونه عبارتند از: من راه خوشبختی و سعادت خود را فقط در دین می‌جویم؛ دین اسلام کامل‌ترین برنامه‌ها را برای سعادت انسان ارائه کرده است؛ اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم فساد همه‌جا را می‌گیرد.

بُعد اخلاق: قواعدی دال بر خیر و شر، خوب و بد، برای هدایت رفتارهای بین فردی را اخلاق گویند.^(۳۱) به عبارت دیگر مفهومی که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات

نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد، اخلاق نامیده می‌شود.^(۳۲) در کل شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود».^(۳۳) شهید مطهری تعریفی از اخلاق را می‌پذیرد که هم به چگونگی رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونگی بودن؛ چگونگی رفتار مربوط می‌شود به اعمال انسان که شامل گفتار هم می‌شود و چگونگی بودن مرتبط با صفات و ملکات نفسانی است.^(۳۴) برخی از مواد این متغیر به عنوان نمونه عبارتند از: همیشه نسبت به وعده‌ها و قول‌هایی که می‌دهم پایبندم؛ گاهی از تمسخر یا تحقیر دیگران لذت برده‌ام (سؤال منفی)؛ همواره نسبت به پایمال کردن حقوق دیگران و هرگونه آسیب به زیردستان حساس هستم.

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی، است».^(۳۵) مطالعات گذشته در حوزه مشارکت سیاسی اغلب روی رأی دادن تمرکز می‌کنند و آن را اساس حقوق دموکراتیک هر شهروندی در نظر می‌گیرند. شهروندان با رأی مستقیم خود به دولت انتظار دارند که دولت‌ها نیازهای شهروندان را برآورده سازند؛ اما باید توجه کرد که رأی دادن فقط یک بُعد از مشارکت سیاسی است.^(۳۶) با توجه به گستردگی و افزایش تنوع مشارکت در جوامع که از انواع رفتار سیاسی است، به نظر می‌رسد مشارکت سیاسی انواع و سطوح مختلفی دارد و این امر تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی قرار می‌گیرد. مشارکت سیاسی می‌تواند به شکل عضویت در احزاب و اتحادیه‌ها، کسب اطلاعات سیاسی، بحث در مورد موضوعات سیاسی و شرکت در تحصن و اعتصاب‌های صنفی یا به اشکال بسیجی و توده‌ای همچون تظاهرات مشاهده شود. مشارکت سیاسی همچنین می‌تواند به صورت مشارکت انتخاباتی، یعنی بر اساس انتخاب نمایندگانی برای تصدی امور سیاسی و اجتماعی نیز بروز یابد.

به منظور افزایش دقت و صحت مطالعه، پژوهشگر دو جنبه از مشارکت سیاسی را در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. **عوامل روان‌شناختی - نگرشی** (نگرش نسبت به مشارکت سیاسی): به نوع پنداشت فرد از شرکت در فعالیت‌های سیاسی گفته می‌شود که پیش از هر اقدامی، به او کمک می‌کند تا وضعیت‌های سیاسی واقعی یا بالقوه را بررسی کند. نگرش فرد در ارتباط نزدیک با تجربه، شخصیت و ارزش‌های پذیرفته‌شده از سوی او قرار دارد.^(۳۷) در واقع این موضوع را می‌توان تحت عنوان کلی منابع روان‌شناختی - نگرشی، متغیرهای علاقه به سیاست و پیگیری اخبار سیاسی از طریق رسانه‌ها، حس اثربخشی سیاسی، اعتماد به دولت را می‌توان به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های احتمالی مشارکت سیاسی در نظر گرفت.^(۳۸) جنبه دیگر مشارکت، مشارکت سیاسی عینی است (یعنی درگیر شدن در فعالیت‌هایی که بنا به تعریف مشارکت سیاسی محسوب می‌شوند) که با عنوان شیوه مشارکت یا انواع یا گونه‌های مشارکت سیاسی در زیر بررسی شده است.

۲. **شیوه مشارکت سیاسی**: منظور آن است که مشارکت چه شکلی به خود می‌گیرد، آیا رسمی است یا غیررسمی؟ هرچند می‌توان تقسیم‌بندی‌های گوناگونی را می‌توان از انواع مشارکت سیاسی به عمل آورد. می‌توان آن را در دو دسته متعارف^۱ و غیرمتعارف^۲ قرار داد و در یک تقسیم‌بندی فرعی، اشکال غیرمتعارف را به دو دسته اعتراضی و پُست‌مدرن تقسیم کرد.^(۳۹) تقسیم‌بندی مشارکت سیاسی بر دو قسم متعارف و غیرمتعارف اگرچه به صورت نظری قابل توجیه است ولی با توجه به ویژگی و شرایط خاص جامعه ایران تعریف آن به صورت عملیاتی مفید نیست، چراکه سنجه‌های برآمده از تعریف عملیاتی به صورت متعارف و غیرمتعارف (اعتراضی و پُست‌مدرن)، پاسخ‌های محتاطانه و توأم با سوگیری در پی دارد. بدین منظور پژوهشگر از دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی برای سنجش مشارکت دانشجویان بهره برد.

مشارکت رسمی: هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور

حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چهارچوب‌های مشخص و تعیین شده که به طور رسمی و برنامه ریزی شده توسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور صورت می‌گیرد، انجام می‌دهند.^(۴۰) در این زمینه شرکت در انتخابات مختلف، مشارکت در تظاهرات و راهپیمایی‌های سیاسی را از موارد مشارکت سیاسی رسمی می‌توان نام برد.

مشارکت غیررسمی: هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت یا تأثیرگذاری بر نظام و جریان‌های سیاسی و در خارج از چهارچوب‌های تعیین شده و رسمی توسط سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور انجام می‌دهند. این نحوه مشارکت شامل هرگونه فعالیت سیاسی می‌شود که در کنش متقابل بین افراد و در رابطه آنها با حکومت انجام می‌شود و ساخت و شکل از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی شده ندارد.^(۴۱) در این زمینه می‌توان اقداماتی از قبیل حضور در تظاهرات، نوشتن نامه‌ها، رأی‌گیری از افراد، امضای طومار، مشارکت اینترنتی، و فعالیت‌هایی از این قبیل را نام برد؛^(۴۲) بنابراین در سرتاسر پژوهش، «مشارکت سیاسی» به طیف وسیعی از فعالیت‌های نهادینه شده از مشارکت سیاسی رسمی تا غیررسمی اشاره دارد.

مروری بر تحقیقات پیشین

گات^۱ و همکاران (۲۰۰۲) رابطه بین مذهب و مشارکت سیاسی را در بین گروه‌های مذهبی در امریکا مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داده که میزان مشارکت سیاسی (شرکت در رأی‌گیری) در میان گروه‌های مذهبی تفاوت معنی‌داری دارد. شرکت‌کنندگان یهودی^۲ به نسبت مسیحیان^۳ بیشتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند. در میان مسیحیان نیز گروه‌های میانه‌رو^۴ و نوگرا^۵ به نسبت گروه‌های سکولار و غیرمذهبی مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند. همچنین فرقه‌های کاتولیک، مدرنیست و میانه‌رو بیشتر از فرقه‌های دیگر در انزوای سیاسی هستند. از نتایج مهم این پژوهش، آن بود که در شکل‌گیری و تکوین شخصیت

1. Guth
3. Christian
5. Modernists

2. Jewish
4. Centrists

افراد عضو این گروه‌ها به طور عام، دو عامل جامعه‌پذیری خانوادگی و فرهنگ سیاسی تأثیرگذار بوده است. همچنین میزان مشارکت گروه‌ها به عوامل دیگری همچون الگوهای خانوادگی، میزان پایبندی مذهبی، منافع سیاسی گروه‌ها و دانش و آگاهی سیاسی افراد بستگی دارد. نتایج این مطالعه حاکی از رابطه مثبت بین عقاید مذهبی و مشارکت سیاسی بود.^(۴۳)

سید امامی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت سیاسی دانشجویان با ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی» در یک حجم نمونه ۵۰۰ نفری به بررسی مشارکت سیاسی در سه سطح مشارکت سیاسی متعارف، اعتراضی و پُست‌مدرن پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از «نظریه منابع» سطوح مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یافته‌های تحقیق مذکور، با توجه به جمعیت خاص مورد بررسی، رابطه آماری معناداری را میان منابع اجتماعی - اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی آنان نشان نمی‌دهد، اما برخی منابع انگیزشی یا روان‌شناختی مورد ادعای نظریه منابع به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی تأیید می‌شوند.^(۴۴)

ال. اپلی^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقی به رابطه مذهب با جامعه مدنی و سیاست در پنج ادیان رسمی بودیسم، کاتولیک، مسیحیت، هندو و اسلام در نمونه‌ای به حجم ۹۳۶ نفر در اندونزی پرداخته است. وی به یک روحیه مذهبی که سبب ایجاد مسئولیت در امور سیاسی می‌شود، اشاره می‌کند که موجب فعال شدن افراد مذهبی در امور اجتماعی و سیاسی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که آداب و رسوم و اعتقادات اسلام در میان دیگر ادیان این منطقه تأثیرات فرهنگی و مذهبی و سیاسی متفاوتی گذاشته است.^(۴۵)

هافمن و دود^۲ (۲۰۰۸) ضمن تحقیقی با عنوان «مذهب، جنسیت و مشارکت سیاسی در افریقا» که در زمینه بررسی ارتباط نگرش مذهبی (اسلام و مسیحیت) با میزان مشارکت سیاسی سه کشور نیجریه، اوگاندا و سنگال به عمل آوردند، با نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای جهت‌گیری

1. L. Epley

2. Hoffman and Dowd

مذهبی از نظر شناخت سیاسی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنش سیاسی این افراد دارد. یافته‌ها نشان داد عقاید مذهبی تأثیرات مثبتی روی مشارکت سیاسی افراد می‌گذارد. همچنین این تحقیق نشان داد که زنان مذهبی‌تر از مردان هستند و همچنین طبق یافته‌ها، هر دو مذهب اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت در امور اجتماعی فرا می‌خواند اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است.^(۴۶)

جمنا^۱ و کارلرو^۲ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان دانشگاه Al. I. Cuza رومانی نشان دادند که میزان رأی دادن در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته‌اند.^(۴۷) هرچند درگیری در فعالیت‌های مذهبی معادل مفهوم دینداری نیست بلکه بیشتر بیانگر گونه‌ای فعالیت اجتماعی است که سبب می‌شود فرد مهارت‌های مشارکتی بیابد.

شوب^۳ (۱۹۷۷) در پژوهشی با عنوان «مذهب و مشارکت سیاسی در دوره پس از جنگ‌های دهقانی در ژاپن» به بررسی رابطه مذهب و میزان مشارکت سیاسی در ایالت کوموتانی^۴ ژاپن پرداخت. وی در این تحقیق با استفاده از یک نمونه ۹۲۸ نفری که آنها را به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب کرده بود، نشان داد که از بین کل پاسخگویان ۷۱ درصد کسانی که دارای عقاید و علاقه مذهبی بودند گرایش خاصی نسبت به عضویت در برخی از احزاب سیاسی و انجام مشارکت در امور سیاسی داشتند. همچنین داشتن ترجیح مذهبی، رابطه مثبتی با ترجیح حزب محافظه‌کار دارد و عکس آن یعنی عدم ترجیح مذهبی با ترجیح غیرمحافظه‌کارانه رابطه دارد.^(۴۸)

اونیل^۵ (۲۰۰۴) در مطالعه خویش تحت عنوان: «جنسیت، مذهب، سرمایه اجتماعی^۶ و مشارکت سیاسی» بر تعهدگرایی مذهبی به عنوان یک عنصر سرمایه

1. Jemna
3. Supe
5. O'Neill

2. Curelaru
4. Kvmvtany
6. Social Capital

اجتماعی و مشارکت سیاسی میان زنان در امریکا تأکید می‌کند. وی همچنین به دنبال بررسی رابطه میان مشارکت زنان در سازمان‌های مذهبی و ایجاد سرمایه اجتماعی است. نتایج این مطالعه حاکی از وجود ارتباط میان عقاید و فعالیت‌های مذهبی با رفتارهای سیاسی است. وی همچنین بیان می‌کند که احتمال بیشتری وجود دارد که زنان به فعالیت‌های مذهبی به طور منظم‌تری نسبت به مردان توجه کنند. تعهد مذهبی برای زنان فرصت‌هایی برای تحت اختیار گرفتن دامنه وسیعی از فعالیت‌ها برای آنان فراهم کرده و همچنین دامنه مهارت‌های اجتماعی زنان را نیز گسترش می‌دهد. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد تعهد مذهبی زنان می‌تواند بر توسعه و افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی کمک کند.^(۴۹)

نتایج پژوهشی که توسط باقری احمدآبادی (۱۳۷۷) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان مورد مطالعه شهر شیراز»، صورت گرفت نشان داد که درجه مذهبی بودن جوانان در میزان مشارکت سیاسی مؤثر است و افراد مذهبی‌تر بیشتر از دیگران در فعالیت‌های سیاسی شرکت می‌کنند. همچنین درجه مذهبی بودن، اعتماد به دیگران، آگاهی سیاسی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سیاسی بودن خانواده، سیاسی بودن دوستان و اعتماد سیاسی، رابطه معناداری با مشارکت سیاسی جوانان دارد.^(۵۰)

بیشتر تحقیقات اشاره شده در زمینه ارتباط بین مذهب و مشارکت سیاسی، در ادیان دیگری صورت گرفته و از آنجاکه دین اسلام به عنوان یک ایدئولوژی، ارائه‌دهنده کامل‌ترین سبک زندگی بشریت است و احکام آن حوزه‌های وسیع اخلاق فردی و اجتماعی، کنش‌های سیاسی و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد؛ لذا مطالعه علمی اثرات و نقش متغیرهای مذهبی دین مبین اسلام در مشارکت سیاسی، یک ضرورت اساسی به نظر می‌رسد. این پژوهش بر آن است تا تأثیرات عقاید مذهبی و دینداری را بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان را بررسی کند.

اهداف اصلی در این پژوهش عبارتند از: (۱) اندازه‌گیری میزان دینداری پاسخ‌گویان؛ (۲) بررسی میزان مشارکت سیاسی و ابعاد آن در میان پاسخ‌گویان؛ (۳) بررسی رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی در میان پاسخ‌گویان.

روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی روش پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان از تمامی رشته‌ها در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی در سال ۸۹-۱۳۸۸ بوده است. حجم نمونه ۱۸۸ نفر بود که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین شیوه که ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند و بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، ۱۸۸ پرسشنامه باقی ماند. هر دانشکده به عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر کلاس به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. میانگین و انحراف استاندارد سن برای دختران به ترتیب ۲۳/۱۲ و ۸/۳۴ و برای پسران ۲۲/۱۴ و ۶/۱۹ به دست آمد. میانگین و انحراف استاندارد درآمد برای کل نمونه به ترتیب ۳۴۵۲۶۷/۱۲ و ۲۱۵۸۰۷/۷۴ به دست آمد.

ابزارهای سنجش شامل ۲ پرسشنامه بود:

۱. **آزمون جهت‌گیری مذهبی:** این آزمون عمل به باورهای دینی را اندازه می‌گیرد و توسط آذربایجانی (۱۳۸۰) با تکیه بر اسلام ساخته شده است. (۵۱) مواد این پرسشنامه با بررسی اجمالی ادیان جهان و بررسی تفصیلی دین اسلام (آیات قران و منابع روایی شیعه) به روش توصیفی و جبهه همت قرار گرفته و در نهایت یک پرسش‌نامه ۶۹ سؤالی تهیه شده است. اعتبار محتوای پرسشنامه از طریق جمع‌آوری نظرات کارشناسان حوزوی تأمین شده است (میانگین درصدی ۰/۷۷۷). در این پرسشنامه برای بررسی پایایی و اعتبار سازه، گروه نمونه‌ای به تعداد ۳۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد تهران شمال و طلاب حوزه علمیه قم در گروه سنی ۱۷ تا ۲۵ سال به صورت تصادفی انتخاب شده است. این پرسشنامه دینداری را در دو مقیاس R1 (عقاید - مناسک) و R2 (اخلاق) تبیین می‌کند که بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، پایایی R1 معادل ۰/۹۴۷ و پایایی R2 معادل ۰/۷۹۳ است و در مجموع جهت‌گیری مذهبی بر اساس اسلام (R) با ضریب آلفای معادل ۰/۹۳۶) را در سه حوزه عقاید، مناسک و اخلاق نشان می‌دهد. اعتبار سازه آزمون بر اساس تفاوت معنادار میان طلاب حوزه علمیه قم با دانشجویان دانشگاه‌های تهران و آزاد در مورد R1 و R ثابت

شده است. در این مطالعه پژوهشگر برای سنجش نگرش‌های مذهبی نمونه مورد مطالعه از این مقیاس استفاده کرده است. این مقیاس ابزاری برای سنجش دینداری فرد است که نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) قرار دارد.

۲. پرسشنامه محقق ساخته مشارکت سیاسی: برای سنجش مشارکت سیاسی از پرسشنامه از نوع سنج لیکرت استفاده شد. این پرسشنامه با بهره‌گیری از مقیاس لیکرت توسط محقق ساخته شد که دارای ۴۲ سؤال است. این پرسشنامه با استفاده از مدل مشارکت سیاسی پترسون^۱ (۲۰۰۵) برای سنجش مشارکت سیاسی در امریکای لاتین^(۵۲) و مدل وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳)^(۵۳) و مدل موحد و دیگران (۱۳۸۷)^(۵۴) ساخته شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۴۲ سؤال انتخاب شد و پس از ویرایش و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه چهل نفری (۲۰ نفر پسر و ۲۰ دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضریب پایایی پرسشنامه پترسون بین ۰/۴۴ تا ۰/۶۹ متغیر بوده است. در این پژوهش نیز ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۵ درصد بوده است. مطالعات درباره اعتبار آزمون بر اساس نمونه مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی نشان می‌دهد این پرسشنامه از روایی و پایایی بالایی سود می‌برد. به منظور افزایش دقت و صحت مطالعه و با توجه به شرایط جامعه ایران، مشارکت در دو سطح نگرش نسبت به مشارکت سیاسی (عوامل روان‌شناختی - نگرشی) و شیوه مشارکت سیاسی (رسمی یا غیررسمی)، تقسیم شد. این مقیاس، ابزاری برای سنجش میزان مشارکت سیاسی افراد است که نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۴ (کاملاً مخالفم) را دربرمی‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

نتایج پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. ابتدا یافته‌های توصیفی بیان می‌شود:

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در هریک از ابعاد باورهای مذهبی اسلامی

و مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی	میانگین	انحراف استاندارد	باورهای مذهبی اسلامی	انحراف استاندارد	میانگین
مشارکت سیاسی رسمی	۲۳/۱۴	۳/۹۷	مناسک مذهبی	۹۱/۶۴	۱۳/۵۷
مشارکت سیاسی غیررسمی	۲۸/۶۹	۴/۷۰	اخلاق	۵۹/۹۸	۹/۳۸
مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی	۷۳/۸۲	۲۰/۷۸	نمره کل باورهای مذهبی	۱۵۱/۶۳	۲۱/۶۹
مشارکت سیاسی عینی	۵۱/۶۱	۷/۴۱			
نمره کل مشارکت سیاسی	۱۲۴/۶۲	۲۴/۰۹			

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان را در هریک از ابعاد باورهای مذهبی اسلامی و مشارکت سیاسی نشان می‌دهد (تعداد گویه‌ها برای هر مؤلفه برابر است). میانگین مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی به ترتیب ۲۳/۱۴ و ۲۸/۶۹ به دست آمده است. میزان مشارکت غیررسمی تا حدودی بالاتر از میزان مشارکت رسمی است. میانگین مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناسی ۷۳/۸۲ و مشارکت عینی ۵۱/۸۳ به دست آمده که بر این اساس میزان مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناسی در میان دانشجویان بیشتر از مشارکت عینی است. در پرسشنامه باورهای مذهبی - اسلامی، میانگین بُعد مناسک مذهبی ۹۱/۶۴ و میانگین بُعد اخلاق ۵۹/۹۸ است. میانگین نمره کل مشارکت سیاسی (که از جمع مقادیر حیطه‌های مارکت به دست آمده است) ۱۲۴/۶۲ و انحراف استاندارد آن ۲۴/۰۹ و مقادیر مذکور برای نمره کل باورهای مذهبی به ترتیب ۱۵۱/۶۳ و ۲۱/۶۹ به دست آمده است.

جدول شماره ۲. همبستگی ابعاد باورهای مذهبی با ابعاد مشارکت سیاسی

متغیرها	مشارکت سیاسی رسمی	مشارکت سیاسی غیررسمی	مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی	مشارکت سیاسی عینی	مشارکت سیاسی
مناسک مذهبی	۰/۶۲**	۰/۴۷۵**	۰/۳۳**	۰/۶۳۵**	۰/۴۳**
اخلاق	۰/۵۹**	۰/۴۷**	۰/۲۸**	۰/۶۰**	۰/۴۰**

جدول شماره ۲ همبستگی ساده (پیرسون) هریک از ابعاد باورهای مذهبی را با ابعاد مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام همبستگی‌ها در سطح ($p < .001$) معنی‌دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مشارکت سیاسی عینی با مناسک مذهبی و کمترین میزان مربوط به رابطه اخلاق با مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی است.

برای بررسی رابطه چندگانه باورهای مذهبی - اسلامی با هریک از ابعاد مشارکت سیاسی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جدول شماره ۳ نتایج مدل رگرسیونی را به ازای رابطه باورهای مذهبی اسلامی و بُعد مناسک و اخلاق با هریک از ابعاد مشارکت سیاسی و میزان کل مشارکت نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. نتایج مدل رگرسیون به ازای رابطه باورهای مذهبی اسلامی با مشارکت سیاسی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معنی‌داری
مناسک مذهبی، اخلاق	مشارکت سیاسی رسمی	۰/۶۴	۰/۴۱	۰/۴۱	۳/۰۶	۶۳/۸۹	۰/۰۰۱
مناسک مذهبی، اخلاق	مشارکت سیاسی غیررسمی	۰/۴۹۵	۰/۲۴۵	۰/۲۴	۴/۱۱	۲۹/۳۸	۰/۰۰۱
مناسک مذهبی، اخلاق	مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی	۰/۳۳	۰/۱۱	۰/۱۰	۱۹/۷۴	۱۰/۹۸	۰/۰۰۱
مناسک مذهبی، اخلاق	مشارکت سیاسی عینی	۰/۶۶	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۶۱	۶۹/۳۹	۰/۰۰۱
مناسک مذهبی، اخلاق	مشارکت سیاسی	۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۱۹	۲۳/۶۷	۲۲/۴۹	۰/۰۰۱

همان‌گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد اخلاق و مناسک مذهبی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای مؤلفه‌های مشارکت سیاسی هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) مناسک مذهبی و اخلاق با مشارکت سیاسی رسمی ۰/۶۴ است و ضریب تعیین ۴۱ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت سیاسی رسمی از روی ابعاد مناسک مذهبی و اخلاق است. مقدار همبستگی چندگانه (R) مناسک مذهبی و اخلاق با مشارکت سیاسی غیررسمی ۰/۴۹۵ است و ضریب تعیین ۲۴ درصد

نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت سیاسی غیررسمی از روی ابعاد مناسک مذهبی و اخلاق است. مقدار همبستگی چندگانه (R) مناسک مذهبی و اخلاق با مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی ۰/۳۳ است و ضریب تعیین ۱۱ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت سیاسی ذهنی - روان‌شناختی از روی ابعاد مناسک مذهبی و اخلاق است. مقدار همبستگی چندگانه (R) مناسک مذهبی و اخلاق با مشارکت سیاسی رسمی ۰/۶۶، و ضریب تعیین ۴۳ نشان می‌دهد ۴۳ درصد واریانس‌های مشارکت سیاسی عینی از روی ابعاد مناسک مذهبی و اخلاق، قابل تبیین است. مقدار همبستگی چندگانه (R) مناسک مذهبی و اخلاق با مشارکت سیاسی رسمی ۰/۴۵ است و ضریب تعیین ۲۰ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های نمره کل مشارکت سیاسی از روی ابعاد مناسک مذهبی و اخلاق است. سطح معنی‌داری به دست‌آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد تمام ضرایب در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار است.

جدول شماره ۴. ضرایب رگرسیون غیراستاندارد (B) و استاندارد (b) به ازای رگرسیون هر بُعد از باورهای

مذهبی بر ابعاد مشارکت سیاسی

سطح معنی‌داری	t	ضرایب استاندارد b	ضرایب غیراستاندارد		متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک
			خطای استاندارد	B		
۰/۰۰۱	۴/۵۸	۰/۴۱۵	۰/۰۳	۰/۱۲	مناسک مذهبی	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۴	۲/۹۲	۰/۲۶۵	۰/۰۴	۰/۱۱	اخلاق	رسمی
۰/۰۰۴	۲/۹۶	۰/۳۰۵	۰/۰۴	۰/۱۱	مناسک مذهبی	مشارکت سیاسی
۰/۰۳۴	۲/۱۳	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۱۱	اخلاق	غیررسمی
۰/۰۱۱	۲/۴۷	۰/۲۸	۰/۱۷	۰/۴۲	مناسک مذهبی	مشارکت سیاسی
۰/۵۶۶	۰/۵۸	۰/۰۶۵	۰/۲۵	۰/۱۴	اخلاق	ذهنی - روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۴/۶۶	۰/۴۲	۰/۰۵	۰/۲۳	مناسک مذهبی	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۲	۳/۱۵	۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۲۲	اخلاق	عینی
۰/۰۰۵	۴/۸۳	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۵۳۵	مناسک مذهبی	مشارکت سیاسی
۰/۱۱۳	۱/۵۹	۰/۱۷	۰/۲۷	۰/۴۴	اخلاق	

جدول شماره ۴ ضرایب رگرسیون غیراستاندارد (B) و استاندارد (b) را به ازای رگرسیون هر بُعد از باورهای مذهبی بر ابعاد مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ضرایب رگرسیون استاندارد نشان می‌دهند در تمام ابعاد مشارکت سیاسی، مناسک مذهبی پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است و از وزن b بالاتری برخوردار است و مناسک مذهبی ارتباط بیشتری با مؤلفه‌های مشارکت سیاسی دارد. در مجموع رابطه مناسک مذهبی با تمام ابعاد مشارکت معنی‌دار است ($p < 0.05$). همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمام ضرایب رگرسیون مثبت است و نشان می‌دهد بین مناسک مذهبی با ابعاد مشارکت سیاسی ارتباط مثبت وجود دارد. رگرسیون اخلاق بر مشارکت سیاسی غیررسمی، مشارکت ذهنی - روان‌شناختی، نمره کل مشارکت سیاسی معنی‌دار نیست و ارتباط معنی‌داری با این ابعاد نشان نمی‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اساسی این پژوهش این بود که آیا رابطه‌ای میان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد یا خیر؟ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین میزان پایبندی به اصول مذهبی بودن با مشارکت سیاسی در دانشجویان مورد بررسی، ارتباط معنی‌داری وجود دارد؛ هرچند ارتباط معنی‌داری بین متغیر اخلاق بر مشارکت سیاسی غیررسمی، مشارکت ذهنی - روان‌شناختی مشاهده نشد، ولی در تمام ابعاد مشارکت سیاسی، بعد اعتقادی - مناسک مذهبی پیش‌بینی‌کننده مهم‌تری است و ارتباط بیشتری با مؤلفه‌های مشارکت سیاسی دارد. در مجموع رابطه مناسک مذهبی با تمام ابعاد مشارکت سیاسی معنی‌دار است. بُعد اعتقادی - مناسک دربرگیرنده باورها و آداب و سنت‌هایی است که انتظار می‌رود افراد با توجه به دین خاص خود به آنها اعتقاد داشته باشند و آنها را به جای بیاورند. همان‌طور که گریتز بیان می‌کند مناسک دینی روحیات و انگیزه‌های قدرت‌مند، فراگیر و پایداری را به وجود می‌آورند و به عبارتی، دین کاری می‌کند که مردم اموری را احساس کنند و انگیزه و تمایل به انجام برخی کارها را در آنها به وجود بیاورد. انگیزه‌های مذکور هدفمند بوده و به وسیله مجموعه پایداری از ارزش‌ها هدایت می‌شوند. از این رو، مؤمنان در پرتو این نظام ارزشی و همسو با دین چیزهایی را

خوب و مطلوب و اموری را نامطلوب می‌انگارند و مشارکت سیاسی در این بین به عنوان یک وظیفه دینی نمود پیدا می‌کند که باید به آن عمل شود؛ چراکه انسان واجد جهت‌گیری دینی شخصی است که به تمام اعتقادات خود پایبند است و تحت هر شرایطی به آن فرامین عمل می‌کند. یافته‌های پژوهش با نظریه آلپورت همایند و هماهنگ است. از دیدگاه وی دین عملاً به عنوان یک سیستم ارزشی به حرکت‌های انسان جهت داده، هدفمند نموده و به سوی اعتلای روانی، انسانی و تکامل رهنمون می‌سازد. به عقیده آلپورت، مذهب به عنوان یک سیستم ارزشی باعث وحدت بخشیدن به حیات انسان می‌شود و به عنوان یک منبع یا عامل همبستگی اجتماعی عمل کرده و انسان دینی مسئول خود و محیط اجتماعی است و در برابر ارزش‌ها و ضدارزش‌ها موظف انگاشته شده است. در حقیقت سیاست در دیدگاه دینی به معنای حضور و مکلف بودن در برابر رخدادهاست.

با توجه به اینکه جامعه ایران یک جامعه دینی است و افراد از همان سال‌های نخستین به طور رسمی و غیررسمی با آموزش‌های مذهبی روبه‌رو می‌شوند با اصول اعتقادات مذهبی آشنا هستند. از طرف دیگر اسلام نه تنها فرد را در مقابل خداوند مسئول و متعهد می‌داند بلکه او را در مقابل جامعه نیز مسئول می‌داند. افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند خود را موظف خواهند دانست که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند. از نگاه دینی، فرد در مقابل خودش، خدایش، جامعه‌اش و غیره موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه باشد، فعال باشد و از اعوجاج حکومتی جلوگیری کند.

در کل نتایج نشان داد که عقاید مذهبی، تأثیر مثبتی روی مشارکت سیاسی دارد و سبب بالا رفتن مشارکت سیاسی می‌شوند که این نتیجه با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های تجربی گذشته (هافمن و دود (۲۰۰۸)، شوب (۱۹۷۴)) همسو است. نتایج این تحقیقات نشان داده که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی از نظر شناخت سیاسی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنش سیاسی این افراد دارد. کسانی که دارای عقاید و علاقه مذهبی بودند گرایش خاصی نسبت به عضویت در برخی از احزاب سیاسی و انجام مشارکت در امور سیاسی داشتند. قابل ذکر است که چنین تحقیقاتی درباره نمونه‌های مختلف از نظر سنی،

نژادی، سطح تحصیلات و... انجام شده است؛ با وجود این تفاوت‌ها همه آنها به این نتیجه (وجود رابطه میان میزان دینداری و مشارکت سیاسی) دست یافتند. این شباهت بین نتایج نشان می‌دهد که با وجود تفاوت فرهنگی و تفاوت در تعریف از مذهب در فرهنگ‌ها و نژادهای مختلف، باز هم میان گرایش مذهب و افزایش مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

البته این نتیجه، مخالف با یافته‌های پژوهش سید امامی (۱۳۸۶) است. به گفته خود محقق «رابطه میان دینداری و مشارکت سیاسی و مشارکت رأی‌دهی نشانگر رابطه ضعیفی میان مذهبی بودن و مشارکت سیاسی بود ($r=0/091$ در سطح $0/05 < p$) و رابطه میان دینداری و مشارکت رأی‌دهی دانشجویان معنی‌دار نبود.» به گفته خود محقق «دلیل این نتایج می‌تواند ناشی از برخی عوامل دیگر از جمله تکیه بر مقیاس ذهنی برای اندازه‌گیری متغیر دینداری باشد».

یافته‌ها نشان داد که ارتباط مستقیمی بین سطح دینداری و مشارکت سیاسی وجود دارد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان انتظار داشت در جوامع مذهبی میزان مشارکت سیاسی افراد بالاتر باشد. البته ناگفته پیداست که دینداری صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی است و تغییر آن در جامعه هم به صورت یکباره و در یک محدوده زمانی کوتاه اتفاق نمی‌افتد، با این وجود دینداری پیش‌بینی‌کننده مهمی برای مشارکت سیاسی است؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی بر مسلمین لازم است در تشکیل جامعه اسلامی و تثبیت و استقرار آن همت ورزند و یکی از شئون اجتماعی شدن دخالت در امور سیاسی و کسب استقلال و به دست آوردن عزت و سیادت اجتماعی است. از این نکات سمت و سوی مشارکت سیاسی و جهت اصلی آن در جامعه اسلامی روشن می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل برقراری وفاق، اقتدار و بالا بردن ضریب امنیت ملی، مشارکت مردمی در صحنه‌های گوناگون ملی است. مشارکت مردمی در واقع تجلی مشروعیت حاکمیت و ضامن تأمین و ثبات است؛ زیرا مشارکت مردمی می‌تواند به مثابه مؤثرترین و مناسب‌ترین پشتوانه برای حل و فصل معضله‌ها و بحران‌های سیاسی - اجتماعی و امنیتی مورد استفاده قرار گیرد و هر دولتی که بتواند جلوه‌های بیشتری از همکاری و همدلی توده‌های مردمی

را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه در دفاع از کشور و حکومت در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی جلب کند، می‌تواند در جامعه بین‌المللی از اعتبار، شخصیت و موقعیت بالاتری برخوردار شود. در این میان دانشجویان یکی از قشرهای جامعه هستند که به اقتضای عوامل مختلفی در التهاب و هیجان سیاسی، انگیزه و استعداد فراوانی برای مشارکت در امور سیاسی جامعه دارند که بر اساس یافته‌های پژوهش، دینداری و باورهای مذهبی نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان مشارکت آنها دارد. *

پی‌نوشت‌ها

۱. غلامرضا غفاری، «تیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کاشان»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۲.
2. S., Burkely, *People First: A Guide to Self-Reliant Participatory Rural Development*, (London, Zedbooks, 1996), p. 65.
۳. علیرضا محسنی تبریزی، «بیگانگی: مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، نامه پژوهش (فصلنامه تحقیقات فرهنگی)، تهران: سال اول، شماره ۱، ۱۳۷۵، ص ۵۴.
۴. مجید موحد؛ حلیمه عنایت؛ آرش پورنعمت، «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی)، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲.
۵. سید علی میرموسوی، «مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکت»، نقد و نظر، سال دوم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۷۵، ص ۸۹.
6. S., Huntington & J., Nelson, *No Easy Choice: Political Participation in Developing Countries*, (Cambridge, Harvard University Press, 1976), p. 14.
7. H. Mcclosky, "Political Participation", David L, Sills (ED), *International Ncylopedia of the Social Sciences*, Vol. 12-13, (New York: Mcmillan Company and Free Press, 1968), p. 249.
8. M., Weiner, *Political Participation in Crises and Sequences in Political Development*, (Princeton, Princeton, 1971), p. 164.
۹. کاووس سید امامی، «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۶، ص ۶۰.
۱۰. علیرضا شجاعی زند، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۶.
۱۱. خدیجه، آیین، «بررسی رابطه دین‌داری و روان‌درستی ایرانیان مقیم کانادا»، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۸.

۱۲. علی نقی فقیهی؛ محمد خدایاری فرد؛ باقر غباری بناب؛ محسن شکوهی یکتا، «بررسی الگوی دین‌داری از منظر قرآن و سنت»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۹، ۱۳۸۵، ص ۴۸.
13. E. Durkheim, *The Elementary Forms of the Religious Life*, (New York: The Free Press, 1968), p. 62.
14. C. Geertz, *Interpretation of Culture, Selected Essays*, (New York, Basic Books, 1973), p. 90.
۱۵. علامه سید محمدحسین طباطبایی، *المیزان فی تفسیر القرآن*، (قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳).
۱۶. عبدالله جوادی آملی، *شریعت در آئینه معرفت*، (قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰)، ص ۳۳.
۱۷. هادی بهرامی احسان، «بررسی مولفه‌های بنیادین سازش‌یافتگی در آزادگان ایرانی»، پایان‌نامه دکتری، (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی، ۱۳۷۸).
۱۸. محمود صادقی، جایگاه دین در سلامت روانی، (تهران: انتشارات طریق کمال، ۱۳۷۸)، ص ۴۹. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:
- G. Allport, *The Individual and His Religion: A Psychological Interpretation*, (New York: Macmillan, 1950).
۱۹. جهت مطالعه بیشتر بنگرید به: *تفسیر المیزان*، جلد چهارم، ص ۹۷.
۲۰. محمدرضا طالبان، «سنجش دین‌داری و ارزیابی مدل اندازه‌گیری آن»، *گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی*، ۱۳۸۴.
۲۱. علیرضا شجاعی زند، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۶.
۲۲. علی نقی فقیهی؛ محمد خدایاری فرد؛ باقر غباری بناب؛ محسن شکوهی یکتا، «بررسی الگوی دین‌داری از منظر قرآن و سنت»، فصلنامه اندیشه دینی، شماره ۱۹، ۱۳۸۵، ص ۴۸.
۲۳. مایکل پترسون و همکاران، *عقل و اعتقاد دینی: در آمدی بر فلسفه دین*، مترجمان احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۷۷)، صص ۳-۴.
۲۴. ریمون آرون، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، مترجم: باقر پرهام، (تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰)، ص ۱۱۶.
25. C. Glock & R. Stark, *Religion and Society in Tension*, (Chicago: Rand McNally, 1965), p. 28.
26. R. Crawford, *What Is Religion?*, (London & New York Routledge, 2002), pp. 192-200.

۲۷. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: علامه سید محمدحسین طباطبایی، پیشین، ص ۶۲؛ مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۵ (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸)، ص ۳۸؛ عبدالله جوادی آملی، پیشین، ص ۳۳.

۲۸. مسعود آذربایجانی، تهیه و ساخت آزمون‌های جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲).

۲۹. ملکم همیلتون، جامعه شناسی دین، مترجم: مهدی ثلاثی، (تهران: انتشارات تبیان، ۱۳۷۷)، ص ۲۷۸.

30. C. Geertz, *Op. Cit.*, pp. 111-118.

31. M. Fukuyama & T. Seving, *Integrating Spirituality into Multicultural Counseling*, (London: Sage Publications 1999), p.6.

۳۲. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، جلد ۴، (بیروت: دایرة المعارف الإسلامیة، ۱۳۷۸)، ص ۱۱۶.

۳۳. احمد بن محمد ابن مسکویه، *تهذیب الاخلاق*، (بیروت: دارالمکتبه الحیاه، ۱۳۵۷)، ص ۵۱.

۳۴. مرتضی مطهری، *آشنایی با علوم اسلامی حکمت عملی*، (قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶)، ص ۲۲.

۳۵. مایکل راش، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، مترجم: منوچهر صبوری، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۷)، ص ۱۲۳.

۳۶. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

M. E. Warren, "Citizen Representatives", pp. 50-69 in *Designing Deliberative Democracy: The British Columbia Citizens' Assembly*, Edited By M. E. Warren and H. Pearse, (Cambridge, U.K: Cambridge University Press, 2008).

۳۷. مایکل راش، پیشین، ص ۱۳۶.

۳۸. کاوس سیدامامی، پیشین، ص ۷۲.

۳۹. همان، ص ۶۸.

۴۰. منصور وثوقی؛ عبدالرسول هاشمی، پیشین، ص ۱۷۴.

۴۱. همان، ص ۱۷۵.

42. M. E. Warren, *Op. Cit.*

۴۳. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

J. Guth & J. Green & L. Kellstedt & C. Smidt, "Religion and Political Participation", Prepared for *Delivery at the 2002 Annual Meeting of the American Political Science Association*, 2002.

۴۴. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: کاوس سیدامامی، پیشین.

۴۵. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

J. L. Epley, *Voices of the Faithful: "An Introductory Look At Religion and Political Participation in Indonesia"*, Paper Submitted for *The Midwest Political Science Association (MPSA) National Annual Conference*, University of Michigan, (2005)
<http://www-personal.umich.edu/~jepley>

۴۶. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

M. Hoffman, & R. Dowd, *Religion Gender and Political Participation in Africa: Lessons From Nigeria, Senegal and Uganda*, (Department of Political Science, University of Notre Dame, 2008).

۴۷. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

V. Jemna, & M. Curelaru, "Values and Students' Political Participation", *Journal for The Study of Religions and Ideologies*, 8, (24), 2009.

۴۸. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

A. Supe, "Convictional Religion and Political Participation in Postwar Rural Japan", *Social Forces*, Vol. 55, No. 3, 1977.

۴۹. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

B. O'Neill, "Gender, Religion, Social Capital and Political Participation", *Prepared for Delivery at the Annual Meeting of the American Political Science Association*, 2004.

۵۰. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: محمدرضا باقری، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهر شیراز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، (دانشگاه شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، ۱۳۷۷).

۵۱. مسعود آذربایجانی، پیشین.

52. E. Patterson, "Religious Activity and Political Participation: The Brazilian and Chilean Cases", *Latin American Politics and Society*, Vol. 47, No. 1, 2005.

۵۳. منصور وثوقی؛ عبدالرسول هاشمی، «روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر (چاه کوتاه، آبطلیل، تل اشکی)»، پژوهشنامه علوم انسانی، ۱۳۸۳، شماره ۴۲ و ۴۱.

۵۴. مجید موحد و دیگران، پیشین.